**باسمه تعالی**

موضوع: قاعده لا ضرر/مفاد /هیئت

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در بررسی معانی هیئت لا ضرر بود که پنج معنا و احتمال ذکر شد و بحث در بررسی یکی از این معانی یعنی معنای مرحوم شیخ بود که برای این معنا چهار بیان مطرح شده است که بحث از سه بیان از آن گذشت و بحث در بیان چهارم از میان این بیانات رسید.

## اشکال به بیان مرحوم داماد: لزوم دو خلاف ظاهر

در کلام مرحوم داماد (ولو به عنوان اشکال بر مرحوم آخوند) اشکالی مطرح شده که می تواند بر مرحوم شیخ هم وارد باشد.

لا ضرر بر اساس بیان مرحوم شیخ حکم ضرری را نفی می کند، و اسناد این نفی به حکم شارع به توسیط دو امر نیاز دارد، یعنی دو خلاف ظاهر در آن وجود دارد، اولا؛ مراد از عناوین همراه ضرر (ضرر وضو یا صوم) است، و ثانیا؛ مراد نفی حکم ضرری است، نه خود ضرر، یعنی وجوب صوم منتفی است نه خود آن، بنابراین با این بیان باید دو خلاف ظاهر پذیرفت، یکی نفی صوم ضرری و دیگر نفی حکم این صوم است.

### جواب: عدم لزوم محذورات

با توجه به بیانات مرحوم نایینی می توان از این اشکال جواب داد، البته به ضمیمه این نکته که مراد از لا ضرر عنوان ضرر است که مبتنی بر ظهور ضرر به عنوان "ضرر بما هو ضرر" است در حالی که اطلاق ضرر به لحاظ واقعیت ضرر یعنی حمل شایع ضرر هیچ کلفتی ندارد، یعنی مصداق ضرر ولو به غیر عنوان ضرر هم ضرر است مثل بیماری و نقص سلامتی که ضرر است و لازم نیست عنوان ضرر هم در آن باشد، بنابراین اطلاق ضرر و اراده عناوین همراه ضرر مثل وضو و صوم ضرری، هیچ کلفتی ندارد، اما این که اسناد نفی به ضرر و اراده حکم ضرری کلفت دارد هم غیر قابل قبول است، کما این که احراق به زید حقیقتا اسناد داده می شود در حالی که مباشرتا این سوزندگی به آتش اسناد داده می شود و اسناد وضوی ضرری به شارع به ملاک سببیت تولیدی، اسنادی حقیقی است، یعنی انسانی که وضوی ضرری می گیرد سبب تولیدی ضرر است.

مرحوم آخوند به کلام مرحوم شیخ اشکال سومی دارد، که باید قبل از آن کلام ایشان را تقریر نمود.

# نفی واقعی ضرر؛ کنایه از نفی حکم [مرحوم آخوند]

ظاهر لا ضرر نفی حقیقت است، یعنی حقیقت و واقعیت نقص وجود ندارد، اما از آن جا که در خارج ضرر وجود دارد؛ باید گفت که این عدم وجود ضرر خارجی(مراد استعمالی) و ادعای شارع و کنایه است از این که حکمی شرعی که منشأ ضرر باشد وجود ندارد(مراد جدی)، آن چه که شارع ادعا می کند عدم وجود ضرر در خارج است ولی مراد جدی شارع، نبود منشأ ضرر در خارج از سوی اوست، یعنی حکمی که متعلق موضوع مساوق با ضرر باشد جعل نشده است.

## فرق کلام مرحوم آخوند با مدعای مرحوم شیخ

مرحوم آخوند حقیقتا ادعای کنایه دارد ولی مرحوم شیخ نهایتا ادعای مجاز دارد، به عنوان مثال در جمله «زید کثیر الرماد»، که در آن نه کثیر در قلت و نه رماد در غیر خاکستر استعمال شده است، بلکه این جمله کنایه از مهمان نوازی زید است.

### ثمره نزاع: اختصاص نفی به موارد تعلق حکم به ضرر بر اساس معنای مرحوم آخوند

مرحوم آخوند به واسطه این بیان اطلاق احکام را مقید به موارد غیر ضرری می داند، بنابراین وضو و صوم ضرری وجود ندارد، اما نسبت به مواردی که متعلق حکم، ضرری نیست ولی احراز این متعلق مستلزم ضرر است (جایی که برای احراز متعلق باید احتیاط نمود، شمولی ندارد)، چرا که متعلق حکم شارع ضرری نیست و حال آن که در چنین موردی بیانی بر نفی ضرر وجود ندارد.

اما در مسلک مرحوم شیخ که حکم شارع را منشأ ضرر می دانست(سببیت تولیدی)، حتی احراز متعلق با احتیاط نیز مشمول لا ضرر است، چرا که در عمل به احتیاط بر اساس حکم عقل نیز این حکم شارع است که منشأ ضرر احتمالی شده است.

این کلام از سوی مرحوم آخوند در لا حرج نیز وجود دارد مگر در جایی که این حرج منجر به اختلال نظام شود، چرا که شارع جعل حرج نکرده است بلکه این عقل است که حکم حرجی به منشأ حکم شارع دارد.

بنابراین، کلام مرحوم آخوند به دو ادعا منحل می شود:

* 1. تقدم بیان ایشان یعنی کنایه بر بیان مرحوم شیخ یعنی مجاز
  2. بر اساس بیان ایشان احتیاط عقلی منتفی نمی شود بر خلاف مبنای مرحوم شیخ

#### اشکال به بیان مرحوم آخوند: عدم ترجیح بین دو معنا

اگر مراد از تقدم بیان ایشان به معنای تعین است، با مبنای مرحوم آخوند که در بحث تعارض احوال در جایی که مراد متکلم معلوم است اصل معین کننده برای کیفیت استعمال را قائل نیست، و تنها اصل موجود اصالة الحقیقة است در جایی است که مراد معلوم نیست، حکم به مرادیت معنای حقیقی نموده است، بنابراین اصل نمی تواند کنایة را در مقابل مجاز تعیین کند، و از طرفی از آن جا که مجاز هم بلیغ است، بر فرص که کنایه ابلغ از مجاز باشد؛ آیا باید شارع به این ابلغیت استعمال کند یا استعمال بلیغ هم کافی است؟ مضافا به این که ممکن است این عبائر از باب نقل به معنا بوده باشد، چرا که روات مرخص در نقل معانی بوده اند.

کلام مرحوم شیخ را می توان به همین معنای مرحوم آخوند گرفت کما این که می توان کلام مرحوم آخوند را به معنای مرحوم شیخ گرفت. نه منشأیت مختص بیان مرحوم شیخ است و نه معنای کنایی مخصوص به بیان مرحوم آخوند است.

بنابراین اشکال کلام مرحوم آخوند بر مبنا و معنای مرحوم شیخ مندفع می شود.